

انقلاب اسلامی و هویت‌یابی تمدنی در ترکیه

رسول نوروزی*

مجتبی عبدخدایی**

چکیده

ترکیه از جمله کشورهایی است که در جدال میان سنت و تجدد، به علل مختلف، تجدد را با تمام لوازم آن پذیرفت که لائسیسم و سکولاریسم بارزترین ویژگی‌های آن محسوب می‌شدند. با این حال، شاهد افول سکولاریسم و رشد لائسیسم در این کشور هستیم که ناشی از متغیرهای داخلی و خارجی متعددی است. مقاله بر این فرضیه استوار است که انقلاب اسلامی با احیای اسلام سیاسی در ایران که برجسته‌ترین مؤلفه احیای هویت تمدنی می‌باشد، سبب احیای اسلام سیاسی در کشورهای مسلمان شده است. انقلاب اسلامی با تغییر منبع هویت ترک‌ها از غرب به اسلام، توانست روح جدیدی در جامعه ترکیه ایجاد کند که نتیجه آن، گرایش به سمت اسلام‌گرایی شد. براینکه این تحول، ورود اسلام‌گرایان به عرصه قدرت سیاسی بوده است.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، هویت تمدنی، سکولاریسم، اسلام‌گرایی سیاسی.

مقدمه

هویت جوامع، ارتباط وثیقی با تمدن حاکم بر آن جامعه دارد؛ در نتیجه، انفکاک جوامع از تمدن و تاریخ، بی‌هویتی را در پی خواهد داشت. هویت تمدنی، مسائل امروز را می‌سازد و با حل آن مسائل، آینده را خلق می‌کند و تمدن را به تکامل می‌رساند. (مقصودی و تیشه‌یار، ۱۳۸۸: ۱۵ - ۱۳) هویت تمدنی به‌مثابه عینکی بر

rasoolnorozi@gmail.com

abdekhodaei.mojtaba@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۴/۱۲

*. پژوهشگر گروه مطالعات اسلام و غرب پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

** عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۳/۶

دیدگان پژوهشگر است که از ورای آن به جهان هستی می‌نگرد و به پشتوانه آن، «دیگر» تمدن‌ها را شناسایی می‌کند.

ترکیه از جمله کشورهایی است که در نیمه اول قرن بیستم کوشید با دوری از هویت اسلامی خود، ردای هویت غربی و تمدن غربی را بر تن کند؛ غافل از اینکه هویت تمدنی مسئله‌ای نیست که با اجبار و زور سرنیزه قابل تغییر باشد.

شکست دولت عثمانی در جنگ‌های ۱۹۱۲ و ۱۹۱۳ م موجب تغییر گستره تمدنی ترکیه شد. این شکست که به دلیل نفاق و تفرقه داخلی بود، موجب شد امپراتوری عثمانی تمام قلمروهای خود اعم از اروپایی و عربی را از دست دهد. دولت انگلیس بر بخش عربی چیره شد و بخش اروپایی نیز به استقلال رسید. پس از فروپاشی عثمانی و بر سر کار آمدن ترکیه جدید به رهبری «کمال آتاتورک» در سال ۱۹۲۳ م، کمالیست‌ها بسیار کوشیدند تا منبع هویتی جدیدی برای پایه‌گذاری ترکیه نوین ایجاد کنند تا با الهام از آن، به سمت ترقی و تمدن پیش روند و به شیوه‌ای افراطی به حذف اسلام از جامعه ترکیه، اقدام کردند. (گلی‌زواره، ۱۳۷۷: ۱۶۴) ترکیه امید داشت بخشی از تمدن اروپا محسوب شود؛ به همین دلیل، لائیسزم و غرب‌گرایی به نحو کامل (در شکل و محتوا) را برگزید. (نورالدین، ۱۳۸۲: ۱۷) به بیان دیگر، کمالیست‌ها تلاش کردند با گذر از هویت اسلامی و اقتباس هویت اروپایی، صاحب تمدن اروپایی شوند. اما شکست این فرایند، از نیمه دوم قرن بیستم با رشد اسلام‌گرایی در ترکیه نمایان شد.

رشد اسلام‌گرایی را می‌توان با افول سکولاریسم و پشت پا زدن ترک‌ها به تمدن غربی به‌گونه اقتباسی محض، برابر دانست. اندیشمندان ترکیه با ارائه الگوی جدیدی از رابطه میان سنت و تجدد و جمع میان آن دو و حرکت به سمت اسلام‌گرایی، می‌کوشند ترکیه‌ای بر اساس هویت تمدنی «خود»^۱ ایجاد کنند. در فرایند احیا و شکل‌گیری تفکر اسلام‌گرایی (سیاسی و یا اجتماعی) متغیرها و عوامل متعددی دخالت داشتند. در بعد داخلی می‌توان به تناسب نداشتن سکولاریسم غربی با بافت اجتماعی ترکیه، قدمت و قدرت اسلام در این کشور و ... اشاره کرد. در بعد خارجی نیز می‌توان به پذیرفته نشدن ترکیه در اتحادیه اروپا و سرخوردگی از غرب، (گلی‌زواره، ۱۳۷۷: ۱۶۶) فروپاشی شوروی و افول اندیشه‌های کمونیستی در این کشور و در نهایت، وقوع انقلاب اسلامی در ایران (زارع، ۱۳۸۳: ۳۱۳ - ۲۹۰) - که عمده‌ترین دلیل رشد اسلام‌گرایی و هویت‌یابی تمدنی در این کشور است - اشاره کرد. انقلاب اسلامی، رونقی دوباره به قاعده «الاسلام هو الحل» در فضای اندیشه‌ای ترکیه بخشید.

اهمیت بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی بر این کشور، علاوه بر ملاحظات ژئوپلیتیکی و سیاسی، در نحوه به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان و نزاع آنها با ارتش لائیک است. رشد روزافزون اسلام‌گرایی در این

1. Self.

کشور، در شرایطی که ارتش بر اساس قانون اساسی کاملاً مدافع نظم سکولار این کشور است، از جمله مسائلی است که شایسته بررسی است.

در این مقاله تلاش می‌کنیم تأثیرات انقلاب اسلامی بر ترکیه و نقش آن در هویت‌یابی تمدنی اسلامی در این کشور بررسی و تبیین شود. از این‌رو، به منظور تأیید فرضیه، تغییرات ایجادشده پس از وقوع انقلاب اسلامی در بخش‌های مختلف جامعه ترکیه، بررسی می‌شود. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از چارچوب نظری «سبدهای چهارگانه»^۱ استفاده شده است که در ادامه بحث، اشاره‌ای گذرا به آن می‌کنیم.

مروری بر چارچوب مفهومی سبدهای چهارگانه

چارچوب مفهومی سبدهای چهارگانه، چهار ظرف را برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌های مرتبط با تأثیرات انقلاب اسلامی مطرح می‌کند. فهم ارتباط میان این ظرف‌ها و تغییرات درونی هر یک از آنها می‌تواند در فهم تحولات سایر ظرف‌ها راه‌گشا باشد. تغییرات دائمی این بلوک‌های چهارگانه در طول زمان از نقطه وقوع انقلاب اسلامی تا زمان اجرای تحقیق، در دستور کار محقق قرار می‌گیرد. این چهار قالب کلان برای جمع‌آوری و تبیین داده‌ها و داوری درباره آنها عبارتند از: ۱. نگرش و رفتار جامعه ایران؛ ۲. نگرش و رفتار دولت و رهبران ایران؛ ۳. نگرش و رفتار جامعه موردی؛ ۴. نگرش و رفتار دولت موردی. (برزگر، ۱۳۸۷: ۲۳۳ - ۲۳۱) به عبارت دیگر، در تحقیق حاضر که موضوع آن تأثیرات انقلاب اسلامی بر ترکیه است، اگر بخواهیم تأثیرات انقلاب اسلامی بر کل فضای سیاسی و اجتماعی ترکیه را بررسی کنیم، ابتدا باید فراز و نشیب‌های انقلاب در داخل کشور ایران بررسی شود (نگرش و رفتار جامعه و دولت ایران به انقلاب)؛ سپس برای کشف میزان اثرپذیری مورد مطالعه (ترکیه)، باید به بررسی دو عنصر کلیدی در بازتاب‌های انقلاب اسلامی بپردازیم (نگرش و رفتار جامعه ترکیه و دیگری نگرش و رفتار دولت و رهبران ترکیه)؛ یعنی به این امر بپردازیم که چه تغییراتی در جامعه و همچنین دولت و رهبران ترکیه، بر اثر وقوع انقلاب اسلامی به وجود آمده است. در چارچوب مفهومی سبدهای چهارگانه برای هر یک از ظرف‌ها شاخص‌هایی عنوان می‌شود تا محقق بر اساس آن شاخص‌ها، داده‌های جمع‌آوری شده را دسته‌بندی و در نهایت تحلیل کند.

در این مقاله، بر اساس سبدهای سوم و چهارم از چارچوب مفهومی، تحولات ایجاد شده در فضای اجتماعی و سیاسی ترکیه تحلیل و بررسی می‌شود. از بخش جامعه، مذاهب ترکیه (طریقت‌ها، شیعیان و علویان) انتخاب شده است؛ یعنی بررسی نوع نگاه طریقت‌ها و رهبران آنها به انقلاب اسلامی و تغییرات ایجادشده در میان

۱. این چارچوب را دکتر ابراهیم برزگر، دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه، طراحی و ارائه کرده و مطالعات عمیقی درباره تئوری‌های انقلاب و بازتاب‌های انقلاب اسلامی انجام داده است. تئوری پخش و چارچوب سبدهای چهارگانه از جمله رهیافت‌های نظری به شمار می‌روند که ایشان در زمینه بازتاب‌های انقلاب اسلامی، وارد ادبیات مطالعات تئوریک مربوط به بازتاب انقلاب‌ها کرده است. (برزگر، ۱۳۸۲، ۷۲ - ۳۹؛ برزگر، ۱۳۸۷، ۲۶۲ - ۲۲۳)

شیعیان و علویان. فاکتور مذهب را می‌توان این‌گونه شاخص‌سازی کرد:

- تغییرات در رفتار مذهبی مردم، نظیر افزایش نقش زنان در فعالیتهای سیاسی؛
 - رواج مسئله حجاب؛
 - افزایش اقبال به انجام دادن فرایض دینی همچون نماز و روزه در سطح اجتماع به‌گونه‌ای ملموس؛
 - افزایش کلاس‌ها و فعالیتهای آموزشی مرتبط با آموزه‌های اسلامی؛
 - ترجمه شدن یا نشدن متون اولیه رهبران انقلاب اسلامی ایران؛
 - وجود آثار تفسیری درباره متفکران انقلاب اسلامی و واقعیت انقلاب ایران و یا نبودن چنین آثاری؛
 - میزان اشاره مطبوعات و مجلات و روزنامه‌ها به انقلاب اسلامی؛
 - میزان و نحوه واکنش سازمان‌ها و فعالان اسلامی در کشورهای مسلمان‌نشین به انقلاب اسلامی از حیث تأسیس سازمان‌های جدید یا از حیث رادیکال‌تر شدن و قهرآمیزتر شدن رفتار سازمان‌های قدیمی و یا از حیث فعال شدن دوباره جنبش‌های میانه‌رو؛ (احمدی، ۱۳۶۹: ۱۲)
 - افزایش نشریات اسلامی و تیراژ آنها؛
 - تقویت محتوایی‌گرایی‌های اجتماعی و سیاسی در نشریات اسلامی؛
 - انزوای ایدئولوژی‌ها و جنبش‌ها و احزاب سوسیالیستی و ناسیونالیستی؛ (حشمت‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۶۹)
 - شکل‌گیری اجتماعات سیاسی در مساجد؛
 - تغییر نگاه عمومی به مسئله فلسطین و برپایی راهپیمایی‌های اعتراض‌آمیز؛ (محمدی، ۱۳۸۶: ۳۸۶)
 - طرح مطالبات مردمی برای اجرای احکام اسلامی نظیر مسئله حجاب؛
 - مبارزه با مشروبات الکلی و فیلم‌های مبتذل؛
 - جداسازی بیمارستان‌ها و برخی اماکن برای زنان. (حشمت‌زاده، ۱۳۸۵: ۳۰۱)
- در عرصه سیاست نیز به دو بخش احزاب و ارتش پرداخته می‌شود. در بخش احزاب، حمایت مردم از احزاب اسلام‌گرا، به‌ویژه احزاب طرفدار انقلاب ایران، می‌تواند شاخص مهمی برای رشد اسلام‌گرایی به شمار آید. واکنش‌های نظامیان به فعالیتهای ایران و فعالیتهای اسلام‌گرایان ترکیه، می‌تواند شاخص در بخش ارتش باشد. بنابراین، در این مقاله با استفاده از چارچوب سبدهای چهارگانه، اثرپذیری بخش‌های مختلف فضای اجتماعی ترکیه - همچون عرصه مذهب، عرصه سیاست و ... - از انقلاب اسلامی، در قالب شاخص‌های گفته‌شده، بررسی می‌شود.

انقلاب اسلامی و عرصه مذهب در ترکیه

در سطح اجتماعی، ترکیه کشوری با اکثریت مسلمان است، اما فضای جامعه این کشور به لحاظ مذهبی، از تنوع قابل توجهی برخوردار است. در ترکیه، اهل سنت در قالب طریقت‌ها و جماعت‌های اسلامی حضوری

فعال دارند. علویان با ۲۰ میلیون جمعیت، بزرگ‌ترین اقلیت به شمار می‌روند و شیعیان نیز فقط حدود ۲ میلیون جمعیت دارند. رشد این طریقت‌ها از دهه پنجاه میلادی آغاز شد، اما در دهه‌های هشتاد و نود شتاب بیشتری گرفت.

آنچه در این بخش درصدد بررسی آن هستیم، وقوع و ظهور اسلام‌گرایی بر شانه‌های این طریقت‌ها و جماعت‌های اسلامی و مذاهب تحت تأثیر کامیابی انقلاب اسلامی است.

ورود طریقت‌ها و جماعت‌ها به عرصه‌های سیاسی و اجتماعی نتیجه عوامل متعددی است، اما بی‌شک انقلاب اسلامی تأثیر قابل توجهی بر این رخداد داشت. اهمیت این رخداد زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم بر اساس ماده ۱۶۳ قانون جزایی ترکیه - که در زمان اقتدار حزب جمهوری خواه خلق (حزب آتاتورک) تصویب شد - عضویت در طریقت‌ها و جماعت‌های اسلامی جرم محسوب می‌شد. این قانون به منظور مبارزه با اسلام‌گرایی در این کشور تصویب و به دستاویزی برای سرکوب آنها تبدیل شده بود. اسلام‌گرایان در اواسط دهه نود با قدرتی که در سطح جامعه به دست آوردند، این قانون را لغو و برای ایجاد نظمی اسلامی تلاش کردند. به عبارت دیگر، پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران و احیای اسلام سیاسی، ثابت شد که اسلام می‌تواند به بسیاری از دغدغه‌های انسان مدرن پاسخ گوید و همین امر موجب شد اسلام‌گرایی در ترکیه رونق چشمگیری بگیرد.

در بخش‌های بعدی با ارائه گزارشی کوتاه از طریقت‌ها و مذاهب فعال در ترکیه، تصویری شفاف‌تر از جایگاه این طریقت‌ها در فضای گفتمانی جامعه ترکیه و نگاه آنها به انقلاب اسلامی، ارائه خواهیم داد.

۱. انقلاب اسلامی و طریقت‌ها

مسئله طریقت‌های مذهبی در ترکیه و میزان نفوذشان در جامعه، موضوعی مربوط به زمان حاضر نیست، بلکه از دوران عثمانی اهمیت آن برای سیاست‌مداران کشور ترکیه شناخته شده بود. اختلاف نظر و تنوع اندیشه این گروه‌ها به حدی است که گاهی عده‌ای از آنها را در مقابل دیگران قرار می‌دهد. به طور کلی، فروپاشی امپراتوری عثمانی، ضربه شدیدی به این گروه‌ها وارد ساخت و حیات آنها را به زندگی مخفیانه و همراه با ترس و هراس تبدیل کرد.

از سویی دیگر، حرکت مذهب در سیاست داخلی ترکیه را می‌توان از طریق جریان طریقت‌ها یا دیگر گروه‌های مذهبی محافظه‌کار در داخل ترکیه، بررسی کرد. به بیان دیگر، برای فهم اسلام سیاسی در ترکیه لازم است از دیگر طریقت‌ها و جماعات موجود در سطح جامعه نیز تحلیلی داشته باشیم؛ زیرا آگاهی از فرایند شکل‌گیری اسلام‌گرایی، مستلزم آگاهی از این طریقت‌هاست. به عبارت دیگر، اسلام‌گرایی بر شانه این احزاب و طریقت‌ها ظهور کرده و به قدرت رسیده است.

گفتنی است که طریقت‌های امروزی ترکیه بیشتر به «اسلام صوفی» ایران قرن‌های گذشته برمی‌گردند.

رهبران این طریقت‌ها صوفیان و یا عرفایی بودند که به علت تحولات تاریخی ایران به سمت ترکیه امروزی مهاجرت کردند. (اطهری، ۱۳۹۰: ۴۴) بیشتر این طریقت‌ها، در اسلام عرفانی با مایه‌های محبت و ارادت به اهل بیت علیهم‌السلام ریشه دارند، به همین دلیل به تفکرهای شیعی بیشتر متمایل هستند. بنابراین، دور از انتظار نبود که پیروزی یک حرکت مردمی شیعی بر یک دیکتاتوری اقتدارگرا در ایران هواخواهان و دوستداران زیادی در بین پیروان طریقت‌ها به دست آورد.

با پیروزی انقلاب اسلامی، برخی رؤسای طریقت‌های مهم ترکیه از جمله «پرفسور اسد جوشان»، رئیس طریقت نقشبندی گروه «محمد زاهد افندی»، به ایران سفر کردند. پس از آن نیز اعضای این طریقت بزرگ که بسیاری از سیاست‌مداران ترکیه مانند «نجم‌الدین اربکان»، «تورگوت اوزال» و نمایندگان از حزب مام میهن و حزب رفاه سابق در آن عضو هستند، در برابر جمهوری اسلامی، مواضع متعادل و خوبی داشتند. اما امروزه می‌توان در میان طریقت‌های موجود در ترکیه، سه نوع نگرش کلی و متفاوت را درباره جمهوری اسلامی نام برد:

الف) نگرش مثبت به تشیع و انقلاب اسلامی ایران

این نگرش معمولاً در برخی از جماعت‌ها و گروه‌های منتسب به طریقت نقشبندی، نظیر جماعت «محمود افندی» و گروه‌های «توحید» و «ثنا» - که شریعت‌گرایی را با عقل‌گرایی آمیخته‌اند و به برقراری حکومت اسلامی اعتقاد دارند - دیده می‌شود. در این دسته، جماعت‌هایی نیز وجود دارند که به حرکت‌های جهادی مانند قیام جماعت «شیخ سعید پالوی» و «مظهر جیلار» معتقدند. (زارع، ۱۳۸۳: ۲۹۹)

ب) نگرش نسبتاً منفی و یا بی‌اعتنایی

این نگرش، در طریقت «نورجیه» و بیشتر گروه‌ها و جماعت‌های منتسب به آن وجود دارد. علت اصلی آن نیز موفقیت رسانه‌ای ترکیه در ایجاد جو منفی بر ضد انقلاب اسلامی و همچنین بزرگ جلوه دادن چالش‌های عقیدتی، از جمله اختلاف شیعه و سنی از طرف رهبران و شیوخ این جماعت‌ها و گروه‌هاست. البته نورجی‌ها معمولاً با نظام لائیک، میانه خوبی داشته و دنباله‌رو سیاست‌های آنان بوده‌اند. جماعت بزرگ «فتح‌الله‌چی‌ها» نیز در این دسته جای دارند. (همان) مخالفت‌های نورکوها با انقلاب اسلامی به‌صراحت در مطبوعات آنها بازتاب می‌یافت و همواره در تلاش بودند تا از ایجاد انقلابی همانند انقلاب ایران، در ترکیه ممانعت کنند. در گزارش گندوگان درباره نگاه مطبوعات ترکیه به انقلاب اسلامی، چنین آمده است:

... آن‌طور که در «ینی آسیا» و «کوپرو» (روزنامه و مجله جنبش اسلامی «نورکو») بر آن تأکید می‌شد، نشان از آن بود که این گروه، منتقدان رژیم جدید ایران بودند. نورکوها استدلال می‌کردند که مردم ایران به دلیل نادیده گرفتن یک درس اساسی تاریخ، که بی‌نظمی و بی‌ثباتی به استبداد منجر می‌شود، بهای سنگینی می‌پردازند. ستون‌نویسان روزنامه «ینی آسیا» به‌کرات

به این نکته می‌پرداختند که آنچه در ایران تحت نام اسلام اتفاق افتاده، تضعیف و تحقیر آموزه‌های اسلام است. آنها تأکید می‌کردند که مسلمانان ترکیه نباید چنین اشتباهی را مرتکب شده و اجازه دهند تفکراتی از نوع تفکرات انقلاب ایران، کشورشان را به سوی آشفتگی سوق دهد. آنها به‌ویژه روی خصوصیات انقلابی تشیع تأکید کرده و با یادآوری نزاع‌های سنتی «شیعه - سنی» و «ایران - عثمانی»، انقلاب ایران را به طور کلی با مسلمانان سنی‌مذهب نامرتبط می‌دانستند. (گندوگان، ۱۳۸۳: ۵ - ۱)

بنابراین، می‌توان گفت با وقوع انقلاب اسلامی ایران، نوع نگاه گروه‌های مختلف به مباحث اسلام‌گرایی سیاسی و انقلاب اسلامی، آشکار می‌گردد و این مسئله به‌روشنی در مطبوعات گروه‌های مختلف بازتاب داده می‌شد.

ج) نگرش به‌شدت منفی به تشیع و انقلاب اسلامی

این نگرش در دو طیف خاص به چشم می‌خورد: اول، طیفی که تحت تأثیر افکار وهابیت قرار گرفته‌اند، نظیر جماعت «عرب‌کندی»، گروه «صف» و گروه «بغزانچی»؛ طیف دوم، جماعت‌ها و گروه‌هایی هستند که با هدایت سازمان امنیت ترکیه (میت) برای مقابله با حرکت‌های اسلامی تشکیل شده‌اند. اعضای اصلی این گروه‌ها، مانند «ایشک چیلار» و «منزیل چیلار» از مقامات امنیتی و نظامی هستند و طبیعی است که مریدان آنها نیز با تشیع و انقلاب اسلامی، خصومت شدیدی دارند. (زارع، ۱۳۸۳: ۲۹۹)

۲. انقلاب اسلامی و شیعیان ترکیه

به منظور بررسی دقیق‌تر نحوه تأثیر انقلاب اسلامی بر شیعیان ترکیه، لازم است وضعیت سیاسی، اجتماعی و مذهبی آنها در ترکیه و نیز نحوه تعامل آنها با ایران را بررسی کنیم. در گزارشی که دو تن از مبلغان حوزه علمیه قم در سال ۱۳۵۷ از وضعیت شیعیان ترکیه تنظیم کرده‌اند، چنین آمده است:

شیعه‌گری در میان جوانان جلوه‌ای ندارد ... کمونیسم در میان جوانان شیعه رواج چشمگیری یافته ... منابع مذهبی شیعه در میان شیعیان ترکیه به‌ندرت وجود دارد، اما جزوات الحادی و مارکسیستی به‌وفور یافت می‌شوند ... جوانان شیعه تحت تأثیر کمونیسم به مبارزات مسلحانه و برادرکشی رو آورده‌اند ... شیعیان تنها یک مسجد کوچک در استانبول دارند. شیعیان از میر نیز یک مسجد در حال ساخت دارند. شیعیان آنکارا مسجدی ندارند ... در کارس دو مسجد شیعی وجود دارد ... حوزه علمیه‌ای وجود ندارد تا جوانان بتوانند تحصیل علوم حوزوی نمایند و ... (بی‌نا، ۱۳۵۸: ۵۳ - ۵۰)

چنان‌که روشن است، وضعیت شیعیان ترکیه در سال‌های قبل و مصادف با انقلاب اسلامی، به‌نوعی «بی‌هویتی دینی» است که جلوه‌های آن را می‌توان در دسترسی نداشتن به منابع شیعه، حضور و یا فعالیت نداشتن علما و روحانیان شیعه در میان شیعیان، جذب در مکاتب مارکسیستی و الحادی و نبود تشکل‌های

شیعی مشاهده کرد. از سویی دیگر، تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی تنها عامل مهم ارتباط معنوی شیعیان ترکیه با ایران، نهاد مرجعیت بود و مؤمنان ترکیه کمابیش با نجف و قم ارتباط داشتند، ولی پس از پیروزی انقلاب، تغییرات عمده‌ای در این ارتباط به لحاظ کمی و کیفی روی داد. کانون این تحول را می‌توان در پدید آمدن این احساس در میان شیعیان، که بایستی با بازخوانی عقاید خود، سروسامانی به وضعیت خویش بدهند، دانست. تأثیرات انقلاب اسلامی بر شیعیان ترکیه را می‌توان در لایه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی بررسی کرد. در این باره می‌توان به این شاخص‌ها اشاره کرد:

الف) ارتباط شیعیان با علما و به‌ویژه حوزه علمیه قم: پس از انقلاب اسلامی، تعداد جوانان آذری ترکیه که برای تحصیل علوم اسلامی به قم مهاجرت می‌کردند، افزایش چشمگیری یافت. آنان پس از بازگشت به کشور خود، منشأ خدمات عمده‌ای در جامعه شدند. به این عده می‌توان برخی فرهیختگان شیعه و دوستداران جمهوری اسلامی، از جمله مرحوم «عبدالباقی گل پنازلی» و پرفسور «حسین حاتمی» را اضافه کرد. (زارع، ۱۳۸۳: ۳۰۰) افزایش تعداد دانشجویان ترک پس از انقلاب اسلامی از دیگر مسائل قابل توجه است.

ب) وضعیت مساجد و علما: رشد مساجد شیعی را می‌توان به‌نوعی برابند شاخص نخست دانست؛ به این معنا که رشد طلاب ترک در حوزه علمیه قم و بازگشت آنها در سال‌های بعد به ترکیه، موجب رونق مساجد شیعه در این کشور شده است. در حال حاضر، نزدیک به سیصد مسجد شیعه جعفری در شهرهای اغدیر، قارص، آنکارا، بورسا و ازمیر و سی مسجد در استانبول وجود دارد. (اوزگوندوز، ۱۳۸۷) مهم‌ترین ویژگی مساجد و تشکل‌های شیعی، وابسته نبودن آنها به دولت است که در سنت روحانیت شیعه ریشه دارد. مساجد ترکیه زیر نظر سازمانی به نام دیانت است که خدمات لازم برای ساخت و نگهداری مسجد و فعالیت‌های آن را ارائه می‌دهد و نیز حقوق امام جماعت را تأمین می‌کند. (بدل، ۱۳۸۳: ۲۹۵ - ۲۹۳)

نظام لائیک ترکیه برای تخریب و تضعیف جایگاه علمای شیعه در ترکیه، آنها را به رابطه با جمهوری اسلامی و حقوق گرفتن از این کشور متهم می‌کند. این امر همواره موجب اعتراض علما و بزرگان شیعه ترکیه به چنین اظهاراتی بوده است. این قضیه نشان می‌دهد که اساساً نظام لائیک ترکیه، هواداری جامعه شیعی از انقلاب اسلامی و هرگونه ارتباط با آن را برنمی‌تابد. با این حال، طیف تحصیل کرده و فرهیخته روحانیان شیعه، مانند «شیخ موسی آیدین» و «شیخ قدیر آکاراس»، در سخنرانی‌هایشان آشکارا علاقه خود به انقلاب اسلامی و هواداری از آن را ابراز می‌دارند. (همان: ۳۰۱) شیعیان ترکیه پس از انقلاب اسلامی، نخستین حسینیه و نشریه را ایجاد کردند. (خسروشاهی، ۱۳۸۴: ۶۵) به عبارت دیگر، شیعیان ترکیه پس از انقلاب اسلامی از حاشیه حیات مذهبی و سیاسی جامعه ترکیه خارج و به متن آن منتقل شدند و درصدد بازبانی هویت خود برآمدند.

ج) افزایش کتب و نشریات اسلامی: در فضای فرهنگی جوامع، نشریات، تابلو و آینه تحولات فرهنگی و فکری جامعه‌اند و سمت و سوی آینده آن را نشان می‌دهند. (نوری، ۱۳۸۴: ۳) پس از وقوع انقلاب اسلامی

شاهد افزایش کتب و نشریات اسلامی به وسیله اسلام‌گرایان ترکیه هستیم. تعداد نشریه‌های منتشرشده با گرایش اسلامی پس از انقلاب اسلامی، در ترکیه چشمگیر بود. مهم‌ترین این نشریات عبارتند از: اسلام، مکتب، اندیشه، کلمه، میزان، یدّی اقلیم (هفت اقلیم)، کوپرو، وحدت، مکتوب، گریشم، عایله، شهادت، بیزیم عایله، پنجره، مدرسه اسلامی، ظفر، بیزیم اجاق و ... که بیشتر آنها از ادامه فعالیت بازداشته شدند. (خسروشاهی، ۱۳۸۴: ۶۶)

مؤسساتی تحت اداره اهل سنت، اندیشه‌ها و آثار امام خمینی ره، دکتر علی شریعتی، استاد مرتضی مطهری ره، آیت‌الله جوادی آملی و ... را ترجمه و چاپ می‌کنند که همین امر موجب گسترش افکار شیعه می‌شود. مهم‌ترین مرکز نشر ترکیه، انتشارات کوثر است که به تقویت فرهنگی شیعیان این کشور کمک شایانی کرده است. (بدل، ۱۳۸۳: ۲۹۹)

کتاب «ولایت‌فقیه» امام خمینی را آقای حسین حاتمی، استاد دانشگاه استانبول، ترجمه کرد، ولی همین اقدام موجب اخراج ایشان از دانشگاه پس از ۲۵ سال تدریس شد؛ به طوری که حتی حق بازنشستگی هم برای او قائل نشدند. (خسروشاهی، ۱۳۸۴: ۶۶) این حساسیت‌ها نشانه اثرگذاری قابل توجه اندیشه‌های رهبران دینی بر جوامع شیعی و همچنین اسلام‌گرایان، است.

د) افزایش مناسک اسلامی: شیعیان ترکیه تا پیش از انقلاب ایران، تحت تأثیر حکومت لائیک‌ها، اطلاع چندانی از مناسک نداشتند و به آن پایبند نبودند، اما پس از انقلاب با افزایش ارتباط میان ایران و شیعیان ترکیه شاهد رواج مسئله حجاب، رونق مساجد، برگزاری کلاس‌های قرآن، تجمعات مذهبی و ایجاد مدارس مذهبی هستیم. مراسم مربوط به محرم و روز عاشورا نیز از دیگر مراسم‌هایی است که پس از انقلاب اسلامی، تحت تأثیر رشد اسلام‌گرایی در ترکیه، برپا می‌شود. آنچه موجب بیشتر شناخته شدن جعفری‌ها در ترکیه شد، عاشورای حسینی بود. در آغاز، جعفری‌ها فقط در دو شهر هم‌مرز ایران این مراسم را به جا می‌آوردند و آیین قمه‌زنی و زنجیرزنی آنان در شبکه‌های تلویزیونی کشور پخش می‌شد، ولی بعد از پراکنده شدن شیعیان در ترکیه و همراه با برگزاری مجالس و آیین‌های عاشورا در خیابان‌ها و مساجد، شیعیان، مورد توجه بیشتر رسانه‌ها قرار گرفتند. عاشورای حسینی در شهر اغدیر، با تعطیلی گسترده مدارس دولتی، اتوبوس‌رانی، شبکه‌های تلویزیونی این شهر و ... همراه است. (بدل، ۱۳۸۳: ۲۹۹) حتی در میان دیگر فرقه‌های اسلامی همچون علوی‌ها، بکتاشیه و ... نیز این مراسم اجرا می‌شود. (جلالی، ۱۳۸۱: ۹۱)

ه) هویت‌سازی تمدنی: گفتمان انقلاب اسلامی، هویت «خود»^۱ را با مرکزیت دادن به اسلام سیاسی درون تمدن اسلامی، تعریف کرد. در نتیجه، بسیاری از مکاتب و اندیشه‌های غیراسلامی در حوزه «بیگانه» و «دیگر»^۲ برای انقلاب اسلامی قرار گرفتند. «جدال با سکولاریسم» و مکاتب الحادی موجب حذف نیروهای

1. Self.
2. Other.

لیبرال و نیز چپ‌گرا از اردوگاه انقلاب اسلامی شد. از جمله شواهد اثرگذاری انقلاب اسلامی بر خارج از قلمرو ایران، شکل‌گیری هویت اسلامی و نیز «بیگانه» و «دیگری» بودن هویت‌های شرقی و غربی است. افزایش انتشارات اسلامی در ترکیه و توزیع آثار متفکران و رهبران انقلاب آن، سبب تقویت باورهای دینی جوانان ترک در برابر مکاتب مارکسیستی شد. آثار حضرت امام علیه السلام به‌ویژه کتاب «ولایت فقیه»، آثار علامه طباطبایی علیه السلام و نیز متفکرانی همچون دکتر علی شریعتی، که در صدر پرفروش‌ترین کتاب‌ها در ترکیه قرار داشت، توانست جوانان چپ‌گرا را از گفتمان مارکسیستی دور، و جذب اندیشه‌های اسلامی کند؛ زیرا ایدئولوژی اسلام سیاسی به‌نوعی افکار مارکسیستی را در خود جای داده بود و به همان آرمان‌هایی اشاره می‌کرد که مارکسیست‌ها در ابعاد الحادی و مادی‌گرایانه در جستجوی آن بودند. (پوریناب، ۱۳۷۹: ۹۳)

بنابراین، تأثیرات انقلاب اسلامی بر لایه‌های فرهنگی، از طیف حداقلی شروع شد و به‌تدریج به دیگر حوزه‌ها نفوذ کرد. رشد تشیع در ترکیه پس از انقلاب اسلامی و فعال شدن جنبش‌ها و گروه‌های شیعی در سطح اجتماعی، نشان از تحولی چشمگیر در میان پیروان این مذهب در ترکیه است. بارزترین اثر انقلاب اسلامی بر مذاهب اسلامی، احیای اعتماد به نفس و باور به قاعده «الاسلام هو الحل» بود که سبب شد مسلمانان به‌جای توجه به دیگر گفتمان‌ها، همچون مارکسیسم و لیبرالیسم، به اسلام توجه کنند.

۳. انقلاب اسلامی و علویان ترکیه

علویان ترکیه پس از سنی‌مذهبان، مهم‌ترین اقلیت دینی در فضای سیاسی - اجتماعی ترکیه محسوب می‌شوند. (rabasa and larabee, 2008: 20) جمعیت این گروه را تا بیست میلیون تخمین زده‌اند که از سه نژاد ترک (پانزده میلیون)، کرد (چهار میلیون) و عرب (سیصد هزار نفر) تشکیل شده‌اند. علویان عرب را «نصیری» می‌نامند. این گروه، پیروان حاج بکتاش (۱۲۷۱ - ۱۲۱۰ م) هستند و در اعتقادات و مناسک دینی، با شیعیان اثناعشری متفاوتند. وجه اشتراک آنها با شیعیان، پذیرش ولایت حضرت علی علیه السلام و اظهار محبت و ارادت به دیگر امامان علیهم السلام است. از مهم‌ترین اندیشمندان آنها می‌توان به «عزالدین دوغان» و «جمال شینر» اشاره کرد. (نورالدین، ۱۳۸۲: ۵۹ و ۶۰)

در زمان حکومت عثمانی، جدال مذهبی میان علویان و حکومت وقت وجود داشت. سرکوب علویان توسط حکومت عثمانی در قرن شانزدهم، از جمله بارزترین آثار این جدال‌هاست. در سال‌های ۱۵۱۱ و ۱۵۱۳ م سلطان بایزید دوم و سلطان سلیم اول، با علویان به اتهام حمایت از حکومت صفویه ایران، وارد جنگ شدند. و به‌شدت آنها را سرکوب کردند. پس از آن، علویان از عرصه سیاسی - اجتماعی ترکیه خارج شدند و این انزوا تا فروپاشی عثمانی و روی کار آمدن مصطفی کمال آتاتورک، یعنی حدود چهار قرن، طول کشید؛ این دوره را دوره تقیه علویان می‌نامند. به عبارت دیگر، علویان ترکیه از حکومت عثمانی خاطرات خوبی نداشتند و همین مسئله سبب شد که با روی کار آمدن ترکیه نوین، جماعت علویان ترکیه با سکولاریسم ترکیه همگام شوند و

از آن حمایت کنند. (آرینگبرگ ولانئاتزا، ۱۳۸۷: ۲۰۸)

سکولاریسم برای علویان، به مثابه سنگری مستحکم برای دفاع از خود و انتقام از اهل سنت بود. اعلام جمهوری و اعتبار بخشیدن به حزب لائیک برای نخستین بار در ترکیه، موجب خوشحالی ترکان علوی شد. آنان از این طرح استقبال و آن را تأیید کردند؛ زیرا پس از چهار قرن ظلم و انزوا فضایی ایجاد شد تا دوباره علویان به عرصه حیات اجتماعی بازگردند. (rabasa and larabee, 2008: 21) علاقه به مصطفی کمال آتاتورک به حدی بود که علویان در کنار عکس امام علی علیه السلام و حاج بکتاش، عکس او را نیز نصب می‌کردند. دوره دوستی علویان و لائیک‌ها چندان دوام نداشت. به علت دین‌ستیزی دولت ترکیه، علویان دوباره در تنگنا قرار گرفتند و به آلت دستی برای احزاب چپ‌گرا و دولت‌ها تبدیل شدند. هرگاه تنش میان لائیک‌ها و اسلام‌گراها افزایش می‌یافت، احزاب لائیک به منظور جمع‌آوری آرای علویان، به آنها توجه می‌کردند. در اواخر دهه هفتاد میلادی و نیز در نیمه نخست دهه نود، اعمال خشونت‌باری بر ضد علویان صورت گرفت که سبب شد علویان، هم از لائیک‌ها و هم از احزاب چپ و سوسیالیستی سرخورده شوند. (نورالدین، ۱۳۸۲: ۱۲۸) تنها برخی دولت‌های اسلام‌گرا با علویان با تسامح بیشتری برخورد کردند.

دولت نجم‌الدین اربکان با مسالمت بیشتری با علویان و دیگر فرقه‌ها که در حاشیه قرار گرفته بودند، برخورد کرد و حتی در رقابت سیاسی با تکیه بر حمایت آنها به قدرت رسید و از آنها در مناصب حکومتی استفاده کرد. (روزنامه مشارکت، ۱۳۸۷/۳/۲۲) سلیمان دمیرل و مسعود ایلماز نیز از سیاست‌های نظیر اربکان تبعیت کردند، تا جایی که دمیرل در مراسم حاجی بکتاش شرکت کرد. (نورالدین، ۱۳۸۲: ۶۶) از سویی دیگر، اهل سنت و طریقت‌ها نیز علویان را به عنوان یک دین، مذهب و یا طریقت مذهبی به رسمیت نشناختند و دولت‌ها نیز آنها را در محدودیت‌های مختلف فرهنگی، آموزشی و عقیدتی قرار دادند. مجموع این مسائل موجب شد علویان که خود را بدون همراه و متحد می‌دیدند، در جستجوی هویت خویش برآیند. وقوع انقلاب اسلامی، این انگیزش را در علویان تشدید کرد.

انقلاب اسلامی توانست علویان ترکیه را از فضای تنش‌آمیز خارج کند و به سمت هویت‌یابی تمدنی حرکت دهد. در چند دهه اخیر، علویان رشد چشمگیری در حیات اجتماعی ترکیه داشته و در حوزه سیاست نیز نسبت به گذشته فعال‌تر شده‌اند؛ تا جایی که می‌توان از احیای علوی‌گری در ترکیه سخن گفت. این تحولات در علویان ترکیه هم‌زمان با انقلاب اسلامی بود و انقلاب آن را تشدید کرد؛ به گونه‌ای که دهه هفتاد را می‌توان آغاز عصر هویت‌یابی علویان ترکیه نامید. (همان: ۵۷) از سویی دیگر، کردهای علوی کوشیدند با جدا شدن از قومیت کردی خود به سمت هویت علوی خویش حرکت کنند و این مسئله بر کاهش تعارضات میان گروه «پ.ک.ک» و قومیت کرد اثر گذاشت. به عبارت دیگر، علویان تلاش کردند با تکیه بر مذهب و هویت دینی خود، در سیاست ترکیه وارد شوند.

گفتنی است، آنچه اثرگذاری انقلاب اسلامی بر علویان را برجسته می‌سازد، این است که علویان ترکیه تا پیش از انقلاب اسلامی و فروپاشی شوروی، تحت‌تأثیر اندیشه‌های مارکسیستی بودند. این تأثیر پس از کودتای ۱۹۶۰م ظهور و بروز بیشتری یافت؛ تا جایی که علوی‌ها به حزب چپ‌گرا موسوم شدند و مارکسیسم در میان جوانان علوی، جایگاه خاصی یافت. (rabasa and larabee, 2008: 22)

پس از انقلاب اسلامی، علویانی که گرایش‌های چپ‌گرا داشتند، به‌ویژه در دهه‌های هشتاد و نود، به سمت تحکیم گرایش‌های علوی خود روی آوردند و از گرایش‌های چپ فاصله گرفتند. (Erman and Goker, 2000: 14) همین امر موجب شد در سه دهه اخیر، تشکل‌های دینی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی علویان رشد چشمگیری داشته باشد؛ زیرا علویان چپ‌گرا، پس از فروپاشی شوروی، به نوعی خلأ تئوریک دچار شدند و در نتیجه، در جستجوی هویت خویش برآمدند. انقلاب اسلامی، اولین و متقن‌ترین پاسخی بود که علویان در این شرایط برگزیدند. (دونمز، ۱۳۸۴: ۱۵۳) این امر موجب شد تا ارتباط علویان با شیعیان ایران افزایش یابد.

شیعیان علوی همواره به‌مثابه زنگ خطری برای زمامداران ترکیه محسوب می‌شدند و انقلاب اسلامی بر این هراس افزود؛ زیرا تاریخ علویان ترکیه با کلمه ایران معنا پیدا کرد. پیشوایان بزرگ علوی نظیر «ولی بکتاشی نیشابوری» ایرانی بودند. به بیان دیگر، مسئله دیگری که بر اثرگذاری انقلاب اسلامی بر علویان و بازگشت آنها به آموزه‌های اسلامی کمک کرد، رهبران ایرانی فرقه‌های علوی بود. بنابراین می‌توان گفت انقلاب اسلامی در احیای هویت اصیل شیعیان علوی نقشی اساسی داشت. تأثیرات انقلاب بر علویان را می‌توان به دوگونه تصویر نمود:

الف) تأثیرات مستقیم

یک. ایجاد نوعی اعتماد به نفس و زمینه بازگشت به تشیع اصیل: علویان تحت تأثیر انقلاب اسلامی، به شیعیان جعفری ترکیه نزدیک شدند و اعلام کردند که علوی، یک شیعه کامل و پیرو فقه امام جعفر صادق علیه السلام است و تمام عقاید، فقه و اصول مذهب جعفری را دارد. به عبارت دیگر، انقلاب اسلامی در ترکیه سبب نزدیکی بیشتر تشیع و علوی‌گری شد. (زارع، ۱۳۸۳: ۳۰۲) ارتباط علویان با شیعیان ایران از جمله پیامدهای دیگر این نزدیکی است. دیدار رهبران علویان ترکیه با مراجع تقلید شیعه و افزایش ارتباط مستمر و مداوم آنها در چند دهه اخیر، می‌تواند نمادی از اثرگذاری بارز انقلاب اسلامی بر هویت‌یابی علویان ترکیه و بازگشت آنها به اسلام محسوب شود. همچنین جمعیت‌های علویان نوعی ارتباط برادرانه با شیعیان آذری ترکیه برقرار ساختند که تا پیش از آن وجود نداشت و انجمن‌ها و بنیادهای مختلفی در شهرهای استانبول، ازمیر، چوروم، آنکارا، اسکندرون، مالاتیا، بالیکسیم، آیدین، مانیسا و هایتای به صورت مشترک با شیعیان ایجاد کردند. از مهم‌ترین خدمات این دسته از علویان، برگزاری کنگره‌های بین‌المللی اهل‌بیت علیهم السلام با مدیریت آقای «فرمانی آلتون» در

استانبول است. (همان) این دسته از علویان به شیعیان بسیار نزدیک هستند و برخلاف سایر علویان نمازهای یومیه به جا می‌آورند و به حج نیز می‌روند. (rabasa and larabee, 2008: 22)

دو. ایجاد موضع مثبت در برخی از شریعت‌گرایان اهل تسنن درباره علویان: تقریب مذاهب در ترکیه از تأثیرات دیگر انقلاب اسلامی بوده است. نخله‌های شریعت‌گرای ترکیه پس از اعلام بحث وحدت شیعه و سنی از سوی امام خمینی ره، در برابر علویان و شیعیان ترکیه مواضع مثبتی اتخاذ کردند. حتی مسئله اتحاد علوی و سنی در ترکیه بحث متداولی شد. تلاش نجم‌الدین اربکان در این مسیر، قابل توجه است. او ضمن دیدار با «پرفسور عزالدین دوغان»، روحانی علوی، از او خواست تا علویان را به همکاری با حزب رفاه ترغیب کند. حزب رفاه نیز قول داد که علویان را در سیمت‌های حزبی و انتخاباتی قرار دهد. این نگرش با تحقق وعده‌های حزب رفاه به نتایج باورنکردنی رسید. (زارع، ۱۳۸۳: ۳۰۲)

ب) تأثیرات غیرمستقیم

یک. توجه بیشتر دولت به علویان: تا پیش از انقلاب اسلامی که جامعه علویان ترکیه تحرک خاصی نداشت، زمامداران لائیک نیز به آنها بی‌توجه بودند؛ زیرا قدرتی در علویان نمی‌دیدند تا درصدد مقابله با آن برآیند. اما پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران، لائیک‌ها تلاش کردند تحركات علویان را به سمت لائیسزم ترکیه، جهت‌دهی کنند و از این پتانسیل به وجود آمده برای تحکیم قدرت خود استفاده نمایند. با این حال، تحركات علویان ترکیه افزایش یافت و در جستجوی هویت گم‌گشته خویش برآمدند. ریشه این خیزش، برگرفته از اعتماد به نفسی است که انقلاب اسلامی در آنها ایجاد کرد. (همان)

دو. تحرک و تحول جناح‌های حاشیه‌ای علویان: انقلاب اسلامی سبب شد گروه‌هایی از علویان به تشیع اصیل روی آورند و در قالب انجمن‌ها و بنیادهایی، فعالیت‌های خود را آغاز کنند. مهم‌ترین این گروه‌ها بنیاد آموزشی جم، به سرکردگی «پرفسور عزالدین دوغان» است که نشریه پرتیراژی با عنوان «جم» را منتشر می‌کند. از سویی دیگر، علوی‌گری که تا مدتی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، شاخصه‌ای منفی به شمار می‌رفت و علویان به «قرلباش» یعنی سرخ کلاه مشهور بودند که نوعی توهین بود، پس از انقلاب اسلامی به یک پدیده مطلوب و مورد قبول تبدیل شد. به عبارت دیگر، علوی‌گری اعتبار و ارزشی مثبت دانسته شد. (همان)

انقلاب اسلامی و عرصه سیاست در ترکیه

انقلاب اسلامی آثار مستقیم و غیرمستقیمی در فضای سیاسی حاکم بر کشور ترکیه بر جای گذاشت. انقلاب سبب افزایش جایگاه و اهمیت نظامیان در ترکیه شد. افزایش تعداد کودتاها و تلاش برای نجات کشور از بحران‌هایی که تحت تأثیر انقلاب اسلامی به وقوع پیوست، این مسئله را تأیید می‌کند. حکومت سه‌ساله نظامیان (۱۹۸۳ - ۱۹۸۰ م)، مسئله دیگری است که نباید از آن غافل شد. این حکومت برای ایجاد ثبات در فضای سیاسی ترکیه با کودتای سپتامبر ۱۹۸۰ ژنرال‌ها شکل گرفت. به بیان دیگر، این حکومت برای

مقاومت در برابر جریان بنیادگرایی و نیز برقراری ثبات در منطقه خاورمیانه ایجاد شد که همین امر، جایگاه نظامیان را در عرصه سیاسی کشور ارتقا داد. (پوربناب، ۱۳۷۹: ۸۰) در هر صورت، بخش‌های مختلف فضای سیاسی ترکیه، از جمله احزاب و نظامیان، واکنش‌های متفاوتی در برابر انقلاب اسلامی داشته‌اند که در ادامه به این دو بخش می‌پردازیم.

۱. انقلاب اسلامی و احزاب ترکیه

احزاب می‌توانند آینه‌دار تغییرات ایجادشده در جامعه و در نهایت، تقاضای جدید مردم باشند. در چهار دهه اخیر، در ترکیه احزاب اسلام‌گرا جزو جدانشدنی رقابت سیاسی به شمار می‌روند. این امر، نشان‌دهنده ناکامی نظام جمهوری لائیک در دین‌زدایی از جامعه است. رویدادی همچون انقلاب اسلامی ایران کافی بود تا تمامی عرصه‌های دینی کشور ترکیه، همچون جنبش‌ها، طریقت‌ها، احزاب سیاسی و ...، انگیزه کافی برای بازگشت به اسلام را در خود بیابند. با وقوع انقلاب اسلامی، مردم مسلمان ترکیه در جستجوی هویت گمشده خویش برآمدند. «نورالدین شیرین»، از فعالان سیاسی ترکیه، نقش امیدبخشی انقلاب اسلامی در بین مردم مسلمان ترکیه را چنین توصیف می‌کند:

پیروزی انقلاب اسلامی، روح امید و نشاط را در میان مسلمانان ترکیه، به‌ویژه آنان که با امپریالیست غرب در تقابل بودند، دمید ... کتاب «ولایت‌فقیه» حضرت امام علیه السلام مسلمانان ترکیه را بیدار کرد. (شیرین، ۱۳۸۷: ۳)

این بیداری، به تحولات عمده‌ای در فضای ترکیه انجامید که از جمله آنها، توجه جامعه ترکیه به احزاب اسلام‌گراست. این احزاب در چند دهه اخیر در انتخابات مختلف، پیروزی‌های متعددی به دست آوردند. نگاه این احزاب به انقلاب ایران و رشد این احزاب، شاخصی برای تبیین نوع نگاه جامعه ترکیه به انقلاب اسلامی است. از جمله این احزاب که بعدها در میان احزاب اسلام‌گرای ترکیه رشد قابل توجهی یافت، حزب «سلامت ملی» به رهبری «نجم‌الدین اربکان» است. این حزب، فراگیرترین حزب سیاسی در سال‌های قبل و نخستین سال پیروزی انقلاب اسلامی بوده است.

پس از پیروزی انقلاب، حزب سلامت ملی اوج گرفت و استقبال مردم ترکیه از این حزب موجب شد که ده‌ها نماینده به مجلس بفرستد و حکومت را به دست گیرد. (خسروشاهی، ۱۳۸۴: ۶۵) ایستارهای این حزب در برابر انقلاب ایران، متمایز از دیگر احزاب بود. انقلاب ایران پشتیبانان زیادی در میان اعضای این حزب یافته بود. در سال ۱۹۷۹م، «ملی گزت»، روزنامه حزب، گزارش‌های خبری و مقالات تحلیلی متعددی منتشر کرد که به پیشرفت تحولات انقلابی در ایران با نظری مساعد می‌نگریست. «ملی گزت» همواره مشتاق و علاقه‌مند انقلاب ایران بود و بر این نکته تأکید می‌کرد که سایر دولت‌های مسلمان باید از الگوی ایران پیروی کنند. رهبر این حزب، «نجم‌الدین اربکان»، از انقلاب استقبال کرد و گفت: «با این انقلاب، مردم

ایران، خود را از بندگی امپریالیسم آمریکا رها نیندند». (گندوگان، ۱۳۸۳: ۱ و ۲)

حزب سلامت ملی هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی، راهپیمایی‌هایی را با طرح شعارهایی همچون «اسلام تنها راه است» و نیز «جامعه اسلامی با دولت اسلامی» برگزار کرد که در اوت ۱۹۸۰ و مصادف با آخرین جمعه ماه رمضان (روز قدس) حدود هشتاد هزار نفر در این راهپیمایی شرکت کردند. گروهی از شرکت‌کنندگان در این تظاهرات با وجود ممنوعیت رسمی، پوشش اسلامی داشتند و شعارهایی به زبان عربی می‌دادند که خلاف قوانین لائیک ترکیه بود. (زارع، ۱۳۸۳: ۶۹) همچنین روزنامه «ملی گزت» در ژوئن ۱۹۸۹، چند روز پس از وفات آیت‌الله خمینی، ضمن انتشار مجموعه‌ای درباره زندگی امام و مبارزاتش در برابر امپریالیسم آمریکا، او را «یک قهرمان جهان اسلام که مردم ایران را از استبداد شاه و استثمار آمریکا نجات داد» نامید. (گندوگان، ۱۳۸۳: ۴۵) تأثیرات انقلاب اسلامی بر احزاب، در روزنامه‌های آنها و همچنین واکنش‌هایشان به تحولات ایران قابل توجه است.

با بررسی این مسائل می‌توان دریافت مهم‌ترین حزبی که انقلاب اسلامی تأثیر بسزایی بر آن داشت، حزب سلامت ملی به رهبری اربکان بود. این حزب بعدها منحل شد، ولی اربکان فعالیت‌های حزبی خود را در قالب احزاب جدیدی ادامه داد. برجسته‌ترین این احزاب، حزب رفاه بود.

حزب رفاه از سال ۱۹۸۴ در همه انتخابات پارلمانی و شهرداری‌ها شرکت می‌کرد و میزان آراییی که به دست می‌آورد نیز پیوسته رو به افزایش بود، تا اینکه در ۲۷ مارس ۱۹۹۴ در انتخابات شهرداری‌ها، به‌ویژه در شهرهای استانبول و آنکارا، به پیروزی قاطع دست یافت. این پیروزی، مسیر و نتیجه نهایی انتخابات پارلمانی را نشان می‌داد که در دسامبر ۱۹۹۵ برگزار می‌شد. حزب رفاه در این انتخابات به یک پیروزی تاریخی دست یافت و در نهایت، در انتخابات ژوئن ۱۹۹۶ قدرت سیاسی را در دست گرفت و نخستین دولت اسلام‌گرا به نخست‌وزیری اربکان، بر قله قدرت سیاسی ترکیه نشست. عمر این دولت کوتاه بود و پاسخ اسلام‌خواهی مردم، با شبه کودتای نظامی و انحلال حزب رفاه و برکناری اربکان داده شد، اما این مسئله نوید آینده‌ای روشن را به مردم ترکیه می‌داد و هشدار و زنگ خطری بود برای لائیک‌ها که خود را در نهایت ضعف و محدودیت می‌دیدند. (نورالدین، ۱۳۸۲: ۱۰۰ - ۹۸)

اقبال عمومی به احزاب اسلام‌گرا و در نهایت، پیروزی حزب رفاه همچون رشد جنبش‌های اسلامی در ترکیه اتفاقی نبود، بلکه کامیابی انقلاب اسلامی در ایجاد حکومتی اسلامی و موفقیت آن در جنگ بر ضد عراق و دیگر بحران‌هایی که بر سر راه این کشور نوبا قرار داده بودند، سبب شد بیش از پیش، اسلام سیاسی در منطقه رونق بگیرد.

محبوبیت و قدرتمندی احزاب اسلام‌گرا، خود معلول تغییراتی است که از سطح فردی آغاز شد و به سطح اجتماعی و در نهایت، سیاسی رسید. این فرایند، نشانه تغییرات هویتی در گفتمان حاکم بر فضای ترکیه است. تغییرات در سطح فردی سبب گرایش مردم ترکیه به سمت تعالیم اسلامی شد که در قالب‌های مختلفی بروز

یافت؛ از جمله: رونق گرفتن مدارس دینی، مانند مدارس «امام - خطیب» و آموزشگاه‌های دینی و مراکز آموزش قرآن که در چند دهه اخیر، به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به نحو چشمگیری فعال شده‌اند. مدارس «امام - خطیب» از جمله مدارس است که با جمعیتی حدود پانصد هزار نفر، قلعه اسلام‌گرایی و احزاب اسلام‌گرا در ترکیه، لقب گرفته است. در این مدارس، طلاب، علوم دینی و علوم روز را فرامی‌گیرند و به کسوت روحانی و امام جماعت درمی‌آیند. تعداد مدارس «امام - خطیب» به ۵۶۱ آموزشگاه دینی رسیده است. سالانه ۵۳ هزار روحانی از این مدارس فارغ‌التحصیل می‌شوند، در حالی که نیاز سالانه کشور ترکیه ۲۲۸۸ روحانی برای اداره مساجد است. بقیه این جمعیت (۵۱ هزار نفر) در کارهای حکومتی فعالیت می‌کنند. (همان: ۱۶۵ - ۱۶۰) لایک‌ها این جمعیت فعال در عرصه حکومتی و اداره ترکیه را به «کادرهای حکومت اسلامی ترکیه» تعبیر می‌کنند و بر این باورند اسلام‌گرایان با کادرسازی، درصدد حرکت به سوی حکومت اسلامی هستند. توسعه روزافزون مدارس دینی در ترکیه زنگ خطری جدی را برای لایک‌ها به صدا درآورده است. این مدارس به عنوان بازویی اجرایی در کادرسازی برای احزاب اسلام‌گرا عمل می‌کنند. (rabasa and larabee, 2008: 19) به عبارت دیگر، رشد احزاب اسلام‌گرا برون‌دادی از رشد اسلام‌گرایی در ترکیه بود که از جمله نمود و بروزهای آن، افزایش مشارکت در مدارس مذهبی به‌خصوص مدارس «امام - خطیب» است.

۲. تأثیرات انقلاب اسلامی بر نظامیان لائیک

مهم‌ترین تأثیری که انقلاب اسلامی بر نظامیان لائیک نهاد، نگاه مجدد نظامیان لائیک به مسئله دین و مذهب و نیروهای مذهبی در ترکیه بود. نظامیان لائیک پس از بر سر کار آمدن اسلام‌گرایان در عرصه سیاسی ترکیه، تقسیم‌بندی جدیدی از معضلات امنیتی ترکیه ارائه دادند. در این تقسیم‌بندی، خطر ارتجاع (اسلام‌گرایی)، معضل نخست و اولویت مهم امنیتی ترکیه معرفی شد و مسئله کردها و حزب کارگزاران ترکیه (پ.ک.ک) که در یک قرن اخیر چالش‌برانگیزترین معضل امنیتی برای دولت ترکیه بود، به اولویت درجه دوم تبدیل گردید. (نورالدین، ۱۳۸۲: ۱۰۶) نظامیان لائیک به منظور مقابله با رشد اسلام‌گرایی در ترکیه که بخشی از آن را متأثر و ملهم از انقلاب ایران می‌دانستند، راهکارهای متعدد و چندجانبه‌ای در پیش گرفتند: یک. کودتا: نظامیان در چند دهه اخیر، سه بار (۱۹۶۰، ۱۹۷۱ و ۱۹۸۰) در ترکیه کودتا کردند و موجب براندازی دولت‌های مستقر شدند و برای حفظ لائیسزم در ترکیه تلاش کردند. مهم‌ترین کودتایی که با تأثیرات بارز انقلاب اسلامی بر ترکیه ارتباط مستقیم داشت، کودتای دوازده سپتامبر ۱۹۸۰ بود. «ژنرال کنعان اورن» هدف از این کودتا را متوقف کردن روند رو به گسترش اسلام‌گرایی دانست و گفت: «اگر این آتش به موقع خاموش نشود، ممکن است سراسر کشور را فراگیرد». (ملکوتیان، ۱۳۸۴: ۸۷) در سال ۱۹۹۷ نیز نظامیان، فضایی به وجود آوردند که دولت اربکان مجبور به استعفا شد. در فرایند برکناری اربکان، نشست‌های ۲۸ فوریه ۱۹۹۷ برگزار گردید که مفاد مختلفی برای محدود کردن دولت اربکان و اسلام‌گرایان در آن،

گنجانده شده بود. از جمله مفاد این بیانیه عبارت بود از: کنترل و مهار تلاش ایران برای ایجاد بی‌ثباتی در ترکیه و همچنین سهل‌انگاری نکردن در اجرای قانون پوشش ظاهری، توقف فعالیت‌های طریقت‌های دینی و ... به بیان دیگر، اصلی‌ترین مفاد این بیانیه، برای مهار اسلام‌گرایی بوده است. نقش ایران در این بین و تأثیرات انقلاب ایران در ترکیه از مواردی است که این بیانیه به آن تصریح دارد. (نورالدین، ۱۳۸۲: ۱۰۶)

دو. انحلال احزاب سیاسی و طریقت‌های مذهبی به اتهام رعایت نکردن قانون اساسی: این شیوه از جمله شیوه‌های مرسوم و رایج در ترکیه بوده است که حتی مشمول حزب قدرتمند رفاه به رهبری اربکان نیز شده است؛ به طوری که نظامیان توانستند دادگاه عالی ترکیه را مجبور به انحلال این حزب کنند؛ (ملکوتیان، ۱۳۸۴: ۸۷) نظامیان با هدف تضعیف احزاب اسلام‌گرا، به بهانه‌های مختلف، اقدام به ممنوع‌الفعالیت کردن رهبران این احزاب و محدود کردن آنها می‌نمایند. (نورالدین، ۱۳۸۲: ۱۰۲)

سه. رابطه با اسرائیل: ابزاری برای فشار آوردن بر اسلام‌گرایان و ایجاد موازنه با دولت‌ها و احزاب اسلام‌گراست. برای مثال می‌توان به روابط ارتش ترکیه با ارتش اسرائیل پس از روی کار آمدن اربکان، اشاره داشت. امضای قرارداد مشهور با اسرائیل برای مکانیزه کردن ارتش ترکیه که در تاریخ ۲۳ فوریه ۱۹۹۶ منعقد شد، از جمله این تلاش‌ها بود. (همان: ۱۰۱؛ زارع، ۱۳۸۳: ۲۸۲)

چهار. تخریب چهره انقلاب اسلامی ایران نزد افکار عمومی ترکیه: لائیک‌ها در چند دهه اخیر همواره در تلاش بودند تا از تمام راهکارهای موجود برای مهار اسلام‌گرایی استفاده کنند. از جمله این راهکارها می‌توان به جنگ روانی و یا راهکارهای فرهنگی اشاره کرد. (گلی‌زواره، ۱۳۷۷: ۱۶۹) هرگاه ایران سیاستی در پیش می‌گرفت که باعث تقویت روحیه اسلام‌گرایان می‌شد و یا اینکه اسلام‌گراها توجه بیشتری به جمهوری اسلامی معطوف می‌داشتند، لائیک‌ها تلاش می‌کردند با تضعیف جایگاه جمهوری اسلامی نزد افکار عمومی ترکیه از تأثیرات مواضع ایران بکاهند. برای مثال می‌توان به این موارد اشاره کرد: در پی برگزاری موفقیت‌آمیز کنفرانس بین‌المللی حمایت از انقلاب فلسطین در تهران در آذر ۱۳۷۰ دولت ترکیه یک کشتی را که در اجاره ایران بود، در محدوده تنگه بسفر و داردانل توقیف کرد. از آنجا که این کشتی، برخی سفارش‌های تسلیحاتی جمهوری اسلامی از بلغارستان را حمل می‌کرد، دولت ترکیه، ایران را به قاچاق سلاح برای گروه‌های تروریستی متهم کرد و جو تبلیغاتی شدیدی در رسانه‌ها بر ضد ایران به راه انداخت؛ در حالی که تمامی مراحل قانونی حمل سلاح توسط کشتی، انجام شده بود. این قضیه در روابط دو کشور بحرانی ایجاد کرد که با رفع توقیف از کشتی و سفر «تورگوت اوزال» به ایران پایان یافت. (زارع، ۱۳۸۳: ۳۰۹)

اقدام دیگر، نمایش فیلم آمریکایی «اسلحه برهنه» در ترکیه بود که در این فیلم به ساحت مقدس حضرت امام خمینی علیه‌السلام توهین شده بود. (گلی‌زواره، ۱۳۷۷: ۱۶۹) بنابراین، تقابل لائیک‌ها با ایران نشانه جایگاه ایران در میان اسلام‌گرایان ترک است. (زارع، ۱۳۸۳: ۳۰۹)

نتیجه

جدال اسلام و سکولاریسم در چند دهه اخیر، در نقطه کانونی تحولات ترکیه قرار داشت. مهم ترین عامل این مسئله، ظهور هویت یابی تمدنی است. هویت یابی تمدنی، گریز از هویت غربی را در پی داشت که کمالیست ها از دهه های نخست قرن اخیر درصدد ایجاد آن بودند. این بازگشت به هویت اسلامی، در لایه های مختلف حیات سیاسی - اجتماعی ترکیه نمود یافت؛ از سطح فردی تا عالی ترین سطح سیاسی، یعنی به قدرت رسیدن یک حزب اسلام گرا. علل متعددی (داخلی و خارجی) در بازگشت به اسلام و رشد اسلام گرایی و در نهایت، هویت یابی تمدنی در ترکیه، دخالت داشتند، اما بی شک انقلاب اسلامی از جمله مؤثرترین متغیرهای خارجی بوده است.

در دهه های اخیر، اسلام در سطح اجتماعی و فرهنگی به شدت فعال شده و در عرصه سیاسی نیز به قدرت رسیده است. اگرچه بازتاب های انقلاب اسلامی بر ترکیه، شکل انقلابی به خود نگرفت و تحت تأثیر گفتمان خاص حاکم بر ترکیه و همچنین جایگاه نظامیان لائیک در آن قرار گرفت، اما اسلام گرایان ترکیه توانستند با الهام از انقلاب ایران، الگویی بومی را برای ترویج اسلام گرایی انتخاب کنند. به قدرت رسیدن اسلام گرایان در ترکیه، می تواند آغاز دوره ای جدید در تاریخ این کشور محسوب شود.

منابع و مأخذ

۱. آرینگیرگ ولانتازرا، مارینی، ۱۳۸۷، «علویان ترکیه و علویان سوریه؛ شباهت ها و تفاوت ها»، فصلنامه تاریخ اسلام، سال نهم، شماره ۳۵ و ۳۶، پاییز و زمستان ۸۷.
۲. احمدی، حمید، ۱۳۶۹، «انقلاب اسلامی و جنبش های اسلامی در خاورمیانه عربی»، به کوشش حاتم قادری و دیگران، مجموعه مقالاتی پیرامون جهان سوم، تهران، نشر سفیر.
۳. ارس، بولنت و عمر کاهان، ۱۳۸۴، «جنبش اسلام لیبرالی در ترکیه: اندیشه های فتح الله گولن»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال نهم، شماره ۴، زمستان ۸۴.
۴. اطهری، سید اسدالله، ۱۳۹۰، «اسلام صوفی»، مهرنامه، شماره ۱۰.
۵. اوزگوندوز، صلاح الدین، ۱۳۸۷، گفتگو با سایت <http://forum.imamhossein.net>.
۶. بدل، حسن، ۱۳۸۳، «شرایط دینی و مذهبی کشور ترکیه»، طلوع، شماره ۱۰، تابستان و پاییز ۸۳.
۷. برزگر، ابراهیم، ۱۳۸۲، «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی»، مجله پژوهش حقوق و سیاست دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۸.
۸. _____، ۱۳۸۷، «عوامل مؤثر در تأثیرات انقلاب اسلامی؛ چارچوب مفهومی»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴۲ و ۴۳، پاییز و زمستان.

۹. بی‌نا، ۱۳۵۸، «گزارش کوتاهی از وضع شیعیان ترکیه»، *مجله درس‌هایی از مکتب اسلام*، شماره ۵، مرداد.
۱۰. پوربناب، قهرمان، ۱۳۷۹، «تأثیرات انقلاب اسلامی بر ترکیه»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال هفتم، شماره ۴.
۱۱. جلالی، غلامرضا، ۱۳۸۱، «مراسم عاشورا در جهان اسلام»، *مجله مشکوة*، شماره ۷۶، پاییز و زمستان ۸۱.
۱۲. حشمت‌زاده، محمدباقر، ۱۳۷۹، «انقلاب اسلامی و کشورهای مسلمان»، *فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی*، پاییز ۷۹.
۱۳. _____، ۱۳۸۵، *تأثیرات اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۴. خسروشاهی، سیدهادی، ۱۳۸۴، «بود و نمود انقلاب اسلامی در کشورهای مسلمان»، *گفتگو با فصلنامه مطالعات تاریخی*، شماره زمستان.
۱۵. دونمز، نوری، ۱۳۸۴، «علویان ترکیه»، *ماهنامه طلوع*، شماره پاییز.
۱۶. رضائزاد امیردهی، عزالدین، ۱۳۸۵، «سرزمین‌های جهان اسلام: جمهوری ترکیه حدود جغرافیایی»، *اندیشه تقریب*، شماره ۶، بهار ۸۵.
۱۷. *روزنامه اعتماد*.
۱۸. *روزنامه مشارکت*.
۱۹. زارع، محمدرضا، ۱۳۸۳، *علل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه*، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
۲۰. شیرین، نورالدین، ۱۳۸۷، *گفتگو با مجله چشم‌انداز*، شماره ۲۸.
۲۱. گلی‌زواره، غلامرضا، ۱۳۷۷، *سرزمین‌های اسلام: شناخت کشورهای اسلامی و نواحی مسلمان‌نشین*، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، چاپ دوم.
۲۲. گندوگان، اوئال، ۱۳۸۳/۲/۷، «ایران اسلامی و ترکیه»، ترجمه مهدی کاظمی، *باشگاه اندیشه*، به نقل از: *فصلنامه مریا*، سال هفتم، شماره اول.
۲۳. محمدی، منوچهر، ۱۳۸۶، *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۴. مقصودی، مجتبی و ماندانا تیشه‌یار، ۱۳۸۸، *تمدن ایرانی فراسوی مرزها*، تهران، انتشارات تمدن ایرانی.
۲۵. ملکوتیان مصطفی، ۱۳۸۴، «تأثیرات منطقه‌ای و جهانی انقلاب اسلامی»، *فصلنامه تخصصی مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۱، تابستان.
۲۶. نورالدین، محمد، ۱۳۸۲، *ترکیه: جمهوری سرگردان*، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
۲۷. نوروزی، رسول، ۱۳۹۰، «تبیین تئوریک تأثیرات انقلاب اسلامی بر بافت اجتماعی ترکیه»، *فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی*، شماره ۱۶، زمستان ۹۰.

۲۸. نوری، محمد، ۱۳۸۴، «پیشگفتار»، مجله کتاب ماه دین، شماره ۱۰۰ و ۱۰۱، بهمن و اسفند ۸۴

۲۹. ولد، مری، ۱۳۸۹، *اسلام در ترکیه مدرن: زندگی‌نامه یک روشنفکر بدیع‌الزمان سعید نورسی*، ترجمه فرزاد صیفی کاران، تهران، نشر احسان.

30. Erman, Tahire and Göker, 2000, "Emrah, Alevi Politics in Contemporary Turkey", *Middle Eastern Studies*, Vol. 36, No. 4, Oct. 2000.

31. <http://forum.imamhossein.net>.

32. <http://shirazi.ir>.

33. Rabasa, angel and larabee, Stephan f, 2008, *the rise of political islam in turkey*, Rand corporation.

34. Yavuz, m. hakan, 2003, *Islamic political identity in turkey*, oxford university press.